

بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور پارس آباد و بیله سوار)

حسین مهدوی کنده^۱، داود مهدوی کنده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۷

صفحه: ۷۵-۱۱۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور پارس آباد و بیله سوار است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع کمی است، برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. آزمون‌های آماری استفاده شده در پژوهش *KMO*، *chi* دو، تحلیل رگرسیون و تحلیل عامل می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که از عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مواد مخدر؛ در رابطه با متغیرهای زمینه‌ای؛ جنسیت با هر یک از ابعاد، محل سکونت، گروه‌های سنی و تأهل با بعد اول، متغیر درآمد خانوادگی با بعد سوم به لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌داری داشتند. در رابطه با متغیرهای ساختاری- فرهنگی؛ همبستگی با خانواده با هر سه بعد و فعالیت دانشگاهی با بعد سوم، نابسامانی خانواده با بعد دوم به لحاظ آماری رابطه معنی‌داری نشان دادند. در رابطه با عوامل فردی؛ متغیر پیشرفت تحصیلی با بعد دوم، متغیر استفاده از مواد، با بعد دوم و سوم و متغیر استفاده از قلیان با بعد سوم گرایش به مواد، متغیرهای استفاده از مواد برای بیداری در امتحان با هر سه بعد، متغیر دوستی با فرد معتاد با ابعاد گرایش به مواد مخدر به لحاظ آماری رابطه معنی‌داری نشان دادند. همچنین نتایج نشان داد که گرایش دانشجویان دانشگاه بیله سوار به مواد مخدر در بعد اول، در بعد دوم و در بعد سوم نسبت به دانشجویان دانشگاه پارس آباد درصد کمتری را به خود اختصاص داده است و ملاحظه شد که دو دانشگاه از نظر گرایش به مواد مخدر متفاوت است.

کلید واژه‌ها: گرایش به مواد مخدر، متغیرهای زمینه‌ای، خانواده، اعتیاد.

^۱ - نویسنده مسئول: عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور واحد پارس آباد، ایمیل: Mahdavi356@yahoo.com

تلفن: ۰۹۱۴۱۵۳۴۶۸۲

^۲ - دانشجوی دکتری، دانشگاه خوارزمی تهران.

مقدمه و بیان مسئله

این حقیقت هشداردهنده که طی سال‌های اخیر، پدیده‌ای به نام مصرف و سوء مصرف فراگیر مواد روان‌گردان و مخدر، بسیاری از کشورها و جوامع را به خود مشغول داشته، حقیقتی است که اجتناب از رویارویی و کم توجهی به آن، به علت پیامدهای زیانباری همچون تخریب منابع اجتماعی اقتصادی، تهدید امنیت اجتماعی و بروز انواع کژروی‌های وابسته به آن، عواقب زیانباری را برای هر جامعه‌ای به دنبال خواهد داشت. مصرف مواد مخدر پدیده‌ای است که فرد ابتدا به صورت پنهان از چشم جامعه و خانواده دست به آن می‌زند. فرایندی که به نظر می‌رسد از کوچک‌ترین گرایش به مصرف مواد مخدر در شرایط فشار روانی شروع و سپس به وابستگی یا اعتیاد می‌رسد. (افقه و خلیلیان، ۱۳۷۵). مواد مخدر سلامت فرد، خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد و همچنین موجب انحطاط روانی، اجتماعی و فردی می‌شود (پرویزی و همکاران، ۲۰۰۵).

گرایش به مواد مخدر یکی از مقوله‌های مهم در مباحث مربوط به اعتیاد است. در مورد علت گرایش به مصرف مواد مخدر فرضیه‌های مختلفی بیان شده است، اما هیچ‌یک از این فرضیه‌ها به تنهایی نمی‌تواند علت گرایش فرد به مواد مخدر را تبیین کند. در هر شرایط فرهنگی و اجتماعی و در هر فرد، برخی از عوامل نقش بارزتری ایفا می‌کنند (پور افکاری، ۱۳۷۶)؛ بنابراین، گرایش به مصرف مواد مخدر که به شکل یک الگوی استفاده بیمارگونه درمی‌آید، ایجاد وابستگی می‌کند و باعث اختلال در انجام وظایف مختلف فردی و اجتماعی می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر به عنوان مسئله روانی، اجتماعی و تاریخی یکی از مشکلات عدیده‌ی جهان معاصر است که جوامع بشری را تهدید به سقوط می‌کند. علامت اساسی وابستگی به مواد، مجموعه‌ای از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی است که فرد علی‌رغم داشتن مشکلات فراوان مرتبط با مواد به مصرف آن ادامه می‌دهد و الگویی از مصرف تکراری وجود دارد که معمولاً منجر به عدم تحمل محرومیت و رفتار اجباری می‌شود (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۹).

اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر به مثابه یک مسئله اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک جامعه می‌شود. در جامعه امروز ما، مواد مخدر در سیمای یک مسئله یا مشکل اجتماعی رخ نموده است. این آسیب اجتماعی تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و به‌طور روزافزونی در حال تعامل با سایر آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن به یک تهدید شالوده و ساخت شکن است. در این میان، جوانان و به‌ویژه جوانان دانشگاهی از مهم‌ترین گروه‌های سنی در معرض اعتیاد در جامعه به شمار می‌روند و از این رو، پرداختن به موضوع اعتیاد در میان این گروه اهمیتی دوچندان می‌یابد. از آنجاکه جوانان اصلی‌ترین مؤلفه شکل‌دهنده نیروی انسانی در جامعه محسوب می‌شوند، افزون بر مشکلات ناشی از بیکاری و عدم اشتغال، پدیده اعتیاد و نابودی این مؤلفه به نابودی زیرساخت‌های جامعه می‌انجامد. به‌طور کلی می‌توان گفت که اعتیاد و مصرف مواد دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است؛ چراکه فرد معتاد علاوه بر این که جسم و روح را بیمار می‌کند، بر ناامنی در اجتماع نیز دامن زده و حس اعتماد را از اجتماع سلب و به‌شدت سطح سرمایه اجتماعی را پایین می‌آورد. در حال حاضر اطلاعاتی از داخل و خارج از کشور در دسترس است که نشان می‌دهد که مصرف مواد در بین قشر جوان و دانشجویان رو به افزایش است (رحیمی موقر و همکاران، ۱۳۸۱).

دانشجویان نیز مانند سایر اقشار جوان از این معضل در امان نیستند. اثرات مصرف مواد در دانشجویان عمیق و گاهی کشنده است (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۸). مصرف مواد در جمعیت دانشجویان موجب بروز صدماتی خواهد شد که از آن جمله می‌توان به اختلال در روند تحصیل دانشجو و در نتیجه رکود علمی، انتشار بیشتر مصرف در جامعه دانشجویی و ترویج فرهنگ مصرف در کل جامعه به علت الگو قرار دادن قشر تحصیل کرده، اشاره نمود (رحیمی موقر و همکاران، ۱۳۸۱).

از دیگر ضرورت‌های پرداختن به این موضوع، وجود ظرفیت‌های کثیر در زمینه‌ی نیروی انسانی فعال، جوان و از طرف دیگر رشد، توسعه و پایه‌گذاری نوپا و جدید نظام دانشگاهی در منطقه پارس آباد و بیله سوار است؛ و بعد سوم، گرایش به اعتیاد است که خود نشئت گرفته از عوامل مرزی، خانوادگی، شخصیتی و نبود کنترل اجتماعی است. تجلی این سه بعد در گرایش دانشجویان به مواد مخدر، فرصتی در اختیار محققان می‌گذارد تا به آزمون و بررسی این مهم بپردازد. برآیند سه مقوله فوق، امکانی می‌نهد تا نهاد دانشگاه بتواند در جلوگیری، کنترل و ارائه بسترهای فرهنگی- اجتماعی مناسب، مکانی امن برای پرورش این استعدادها و ظرفیت‌های منطقه باشد. با توجه به موارد فوق و آمار نگران‌کننده در مورد شیوع مواد مخدر در بین اقشار مختلف مردم و بالأخص آسیب‌پذیری قشر جوان دانشگاهی و تحصیل کرده، ضرورت بررسی و پژوهش در این مورد کافی به نظر می‌رسد؛ بنابراین، پژوهش حاضر در پی دست یافتن به این است که:

۱- آیا دانشجویان دو دانشگاه پیام نور بیله سوار و پارس آباد به مواد مخدر گرایش دارند یا نه؟

۲- اگر جواب مثبت باشد چه عواملی این گرایش را تبیین می‌کنند و در این بین تفاوتی بین این دو دانشگاه وجود دارد یا خیر؟

سیام (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی شیوع سوء مصرف مواد اعتیادآور بین دانشجویان پسر دانشگاه‌های مختلف شهر رشت پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که ۴۷ درصد افراد مورد مطالعه، تجربه استفاده از حداقل یکی از مواد اعتیادآور را ذکر کردند. مواد اعتیادآور مورد مصرف عبارت بودند از سیگار ۲۵ درصد، الکل ۱۱ درصد، مواد نشاط‌آور مانند قرص اکستازی و ترکیبات مشابه آن ۷ درصد و تریاک ۵ درصد، سابقه مصرف سیگار در متأهلین ۱۸ درصد و در مجردان ۲۷ درصد می‌باشد.

طارمیان و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان شهر تهران پرداخته‌اند. بررسی آنان نشان‌دهنده شیوع طول عمر نسبتاً بالای مصرف مواد

سبک به ترتیب قلیان (۳۴٪)، سیگار (۲۴٪) و نوشیدنی‌های الکلی (۱۷٪)، شیوع پایین مواد سنگین تریاک (۳٪) و حشیش ۲/۲ درصد و قرص اکستازی ۷/۰ درصد بود در همه مواد، دختران مصرف کمتری را نسبت به پسران داشتند و در مورد مصرف طول عمر، یک سال و یک ماه گذشته بیشتر موارد، دانشجویان غیر خوابگاهی بیشتر از دانشجویان خوابگاهی مصرف آن‌ها را گزارش نمودند.

در مطالعه مروری رحیمی و همکاران (۱۳۸۵)، تحت عنوان «وضعیت مصرف مواد در بین دانشجویان کشور» نتایج زیر به دست آمد: الکل و پس‌از آن تریاک و سپس حشیش شایع‌ترین مواد غیرقانونی مورد استفاده می‌باشند. تعداد دانشجویانی که به مصرف یکی از مواد غیرقانونی وابسته هستند. بیش از ۵۰ هزار نفر و تعداد کسانی که در طول یک ماه حداقل یک‌بار یکی از مواد را مصرف می‌کنند حدود ۱۵۰ هزار نفر در کشور تخمین زده می‌شود.

بزازیان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که باورهای مذهبی و پیوند با خانواده با گرایش به مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی رابطه منفی دارند. باورهای مذهبی و پیوند با خانواده می‌توانند مصرف سیگار، گرایش به مواد مخدر و گرایش به مشروبات الکلی را تبیین کنند.

مبانی نظری پژوهش

در زمینه گرایش به مواد مخدر، پژوهش گران به علل و عوامل فراوان و گوناگون اشاره کرده‌اند که طیفی گسترده از معضلات اجتماعی، خانوادگی و حتی روانی را در بر می‌گیرد. این گستردگی علل و عوامل بیشتر برخاسته از نامحدود بودن دامنه این بیماری است، به گونه‌ای که تمام مرزهای جغرافیایی، مذهبی و اجتماعی را درنوردیده است.

نظریه‌هایی که علل و عوامل مؤثر بر گرایش به جرم مواد مخدر را تبیین می‌کنند تشکیل دهنده چارچوب نظری پژوهش می‌باشند که عبارت‌اند از:

نظریه آنمی و همبستگی اجتماعی^۱

یکی از نظریه‌های به کاررفته در تبیین اعتیاد نظریه آنمی است. نخستین بار، امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) اصطلاح آنمی را برای توصیف وضعیت اجتماعی غیرطبیعی به کار برد؛ وضعیتی که در آن، انسجام اجتماعی بر اثر بحران‌هایی از قبیل رکود اقتصادی تضعیف می‌شود. این بحران‌ها باعث می‌شود که فرد بدون در نظر گرفتن جامعه به دنبال منافع شخصی خود باشد (دورکیم، ۱۳۸۴). بر اساس این نظریه، وجود اعتیاد ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. بخشی از مردم قادر به درک اهداف جامعه نیستند و یا نمی‌توانند از دستیابی به اهداف مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند و در نتیجه، به مواد مخدر روی می‌آورند تا چنین رضایتی را به دست آورند (مرتین، ۱۹۶۴).

به اعتقاد دورکیم، اگر در جامعه‌ای «همبستگی اجتماعی» یعنی نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌ها هم‌نوا می‌شوند. ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند (ستوده، ۱۳۸۶)؛ بنابراین اعتیاد به‌طور شدید با همبستگی و حس مشترک عمومی (وجدان جمعی) در ارتباط است و در جایی که این حس وجود ندارد گرایش به مواد مخدر بیشتر خواهد شد. به نظر الکساندر، شخصی که در هماهنگی با دیگران و ساختار اجتماعی موفق است، در معرض خطر وابستگی به مواد مخدر قرار نمی‌گیرد (الکساندر، ۱۹۹۰).

نظریه هم‌نشینی افتراقی^۲

نظریه هم‌نشینی افتراقی در چند دهه گذشته به‌عنوان یکی از واقعی‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات برای تبیین بزهکاری و جرم با توجه به مؤلفه‌های روان‌شناختی - اجتماعی توسعه یافته است.

^۱ . Social Cohesi Theory

^۲ . Differential Association Theory

ساترلند^۱ با ارائه این نظریه ادعا کرد که رفتار انحرافی از طریق «هم‌نشینی افتراقی» یا «معاشرت با اغیار»^۲ یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم (مانند تبهکاران) آموخته می‌شود و برای آن که یک فرد، جنایتکار شود، باید نخست یاد بگیرد که چگونه می‌توان جنایت کرد (ساترلند، ۱۹۳۹). به عبارتی دیگر این نظریه بر این پیش‌فرض بنا شده است که رفتار انحرافی، موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴). ساترلند در این نظریه نشان می‌دهد که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی و محیط اجتماعی آلوده به فساد یاد گرفته می‌شود (بیات و همکاران، ۱۳۹۲). هم‌چنین وجود افراد مجرم در خانواده فرصت آموختن و یادگیری انحرافات را برای سایر اعضای فراهم می‌کند؛ درحالی‌که هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر خواهد شد (چلبی و روزبهانی، ۱۳۸۰).

نظریه یادگیری اجتماعی^۳

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، به‌خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندانی نظیر باندورا^۴ این نظریه را توسعه دادند (احمدی، ۱۳۸۴). این نظریه از جوانب متفاوت به گونه‌های متعددی به «تحریک‌های محیطی» که در این دیدگاه «مشوق»^۵ نام گرفته‌اند اشاره می‌کند و مدعی است که این مشوق‌ها می‌توانند در افزایش رفتارهای ضداجتماعی مؤثر باشند. در این نظریه هم‌چنین یادآوری می‌شود که تأثیر این مشوق‌ها هنگامی معنادار خواهد بود که محیط، نوعی زمینه تقویت را برای ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی فراهم ساخته باشد.

^۱ Edvin.Satherland

^۲ Differential Association

^۳ Social Learning Theory

^۴ Albert Bandura

^۵ Stimulant

نظریه کنترل اجتماعی^۱

این نظریه بر فرآیند اجتماعی کردن، بیشتر از مجازات کردن در برقراری نظم جامعه تأکید دارد و برای تبیین برخی جرائم مانند جرائم سازمان‌یافته، جرائم یقه‌سفیدها و جرائم حرفه‌ای کمتر کاربرد دارد و بیشتر در مورد جرائم جوانان و عرضه پیشنهادها عملی برای پیشگیری از جرم فایده دارد (سخاوت، ۱۳۸۱).

این نظریه که پیوند اجتماعی^۲ نیز نامیده می‌شود این‌طور فرض می‌کند که اگر انسان‌ها به حال خود رها شوند، به‌طور طبیعی مرتکب جرم و کج‌روی خواهند شد. فرضیه اساسی این نظریه نیز این است که تفاوت‌های موجود در ارتکاب جرم و کج‌روی در میان افراد، بر اساس تفاوت‌های موجود در نیروهای منع‌کننده یا کنترل‌های اجتماعی است که تبیین می‌شود (طالبان، ۱۳۸۳).

از پیشگامان این نظریه می‌توان به تراویس هیرشی^۳ اشاره کرد. او اعتقاد داشت باوجوداینکه تمام افراد، بالقوه مستعد انجام جرم و هنجارشکنی هستند، اما به خاطر ترس از اینکه عمل مجرمانه به روابط آن‌ها با خانواده، دوستان، همسایه‌ها، معلمان و کارفرمایان آسیب برساند، خود را کنترل می‌کنند (هیرشی، ۱۹۶۹). درواقع هیرشی، کج‌روی را معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد با جامعه می‌داند. هیرشی چهار عنصری را که باعث پیوند بین فرد و جامعه می‌شود چنین تعریف کرده است:

الف- دل‌بستگی یا وابستگی^۴

ب- تعهد^۵

پ- درگیر بودن^۶

ت- ایمان یا باور

^۱. Social Control Theory

^۲. Social Bond

^۳. Travis Hirschi

^۴. Attachment

^۵. Commitment

^۶. Involvement

هیرشی ادعا کرد اگرچه شاغل بودن، فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند (چلبی و روزبهبانی، ۱۳۸۰)، با این حال احتمال بزهکاری هنگامی که چهار عنصر یادشده ضعیف شود، بیشتر است.

در همین زمینه، یافته‌ها گویای آن است که رابطه نوجوان با مواد مخدر یا هر جرم دیگر همبستگی شدیدی با بیگانگی از خانواده دارد (بونستن و همکاران، ۱۹۹۰). بر این اساس، خانواده‌ها و فرهنگ‌های مستحکم می‌توانند از مصرف مواد به‌طور اساسی جلوگیری کنند و چه‌بسا سستی خانواده‌ها و عدم حضور و وجود بزرگ‌سالان به مصرف مواد مخدر منجر می‌شود (کوری، ۱۹۹۳). در مجموع، اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شد، احتمال انحراف افزایش می‌یابد (سراج زاده و فیضی، ۱۳۸۶؛ آبادینسکی، ۱۳۸۴؛ ممتاز، ۱۳۸۱).

نظریه محرومیت نسبی^۱ و نظریه مارکسیستی ساختاری - تلفیقی^۲

نظریه مارکسیست ساختاری - ادغامی توسط جان پائولی و مارک کولین^۳ (۱۹۸۳) طرح ریزی شده است. به اعتقاد آنان موقعیت طبقاتی والدین و ویژگی‌ها و شرایط اقتصادی حاکم بر بازار و بزهکاری جوانان باهم ارتباط معنادار دارند (احمدی، ۱۳۸۴). بر طبق نظریه ساختاری - تلفیقی، اعتقاد به اینکه خط و مشی کنترل جرم می‌تواند فرمول‌بندی شود بدون نگاه به ریشه مسبب آن، خوش‌باوری محسوب می‌شود. مجازات اجباری یا درمان‌های گمراه‌کننده نیز نمی‌توانند مؤثر باشند؛ مگر اینکه روابط اصلی با توجه به تولید مادی تغییر یابند و کسانی که کالاها را تولید می‌کنند باید فرصت بیشتری به آن‌ها به منظور کنترل اشکال تولید و انجام کارهایی نظیر آن و قدرتی به منظور شکل دادن به زندگی خود و خانواده‌هایشان داده شود (گودرزی، ۱۳۸۱).

نظریه‌پردازان تئوری محرومیت نسبی نیز معتقدند که مردم از طریق مقایسه بین خود و امکانات طبقه بالاتر احساس محرومیت نسبی کرده و مرتکب اعمال غیرقانونی برای رسیدن

^۱. Relative Deprivation Theory

^۲. Integrated Structural-Marxist Theory

^۳. Mark Colvin & John Pully

به سطوح بالاتر می‌شوند. طبق این نظریه، افرادی که در مناطق حاشیه‌ای شهر زندگی می‌کنند و راهی برای ارضای نیازهای بنیادین خود نمی‌یابند، دست به جرائمی مانند دزدی و تجاوز می‌زنند. البته محرومیت نسبی محدود به طبقات پایین نیست و افراد ثروتمند هم ممکن است زمانی که در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود ناکام می‌مانند، به‌خصوص زمانی که دستاوردهای خودشان را با دستاوردهای موفقیت‌آمیز قشر بالاتر از خود مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناکامی کنند و احتمال دارد از وسایل غیرقانونی برای دستیابی به هدف‌های موردنظر خود استفاده کنند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

بر اساس نظر والتر میلر هنجارهای برخی از خرده‌فرهنگ‌های طبقه پایین منشأ عدم دستیابی به موقعیت‌های عادی است؛ و اعضای یک گروه نوجوان خیابانی هنجارهای خرده‌فرهنگ طبقه پایین را دنبال می‌کنند و علائق کانونی خاص خود را دارند (میلر، ۱۹۵۸).

نظریه برچسب‌زنی^۱

در حقیقت نقاط ضعف و انتقادات وارده به دیدگاه‌های آسیب‌شناسی، بی‌سازمانی اجتماعی، ستیزه‌ارزشی و انحراف رفتاری، اساسی‌ترین خاستگاه بروز دیدگاه «برچسب‌زنی» در دهه ۱۹۶۰ برای تبیین مسائل اجتماعی به شمار می‌رود (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

برای اولین بار، هاوارد بکر و ادوین. م. لمرت^۲ این نظریه را فرمول‌بندی کردند (شیخاوندی، ۱۳۷۹). لمرت (۱۹۵۱) بر این باور بود که فرآیند درگیر شدن فرد در رفتار بزهکارانه و مجرمانه و تبدیل شدن او به منحرف حرفه‌ای، از دو مرحله می‌گذرد: در مرحله اول هرکسی ممکن است به عللی برای اولین بار مرتکب رفتار انحرافی شود که این نوع انحراف برای شخص پیامدهای ناچیزی دارد، «انحراف اولیه^۳» نامید و ادعا کرد هنگامی که این رفتار

^۱. Labeling Approach

^۲. Edwin.M. Lemert

^۳. Primary Deviance

انحرافی تداوم می‌یابد و برچسب منحرف به فرد زده می‌شود «انحراف دومین»^۱ پدید می‌آید و عامل رفتار تبدیل به بزه‌کار یا مجرم حرفه‌ای می‌شود (کاوه، ۱۳۹۱). جامعه‌شناسان معتقد به این نظریه می‌گویند که برخی مواد برچسب مجاز و برخی دیگر برچسب غیرمجاز دارند؛ و اینکه مصرف‌کننده یک ماده مخدر منحرف خوانده شود یا نه بستگی دارد به اینکه چه کسانی در جامعه در رأس قدرت‌اند. برای نمونه، در کشورهای غربی، الکل ماده مخدری است که مورد قبول صاحبان قدرت اجتماعی است؛ و بنابراین، مصرف آن عادی و قابل قبول است. برعکس، سیگار ماری‌جوآنا که بیشتر مصرف‌کنندگان آن را اعضای فاقد قدرت اجتماعی جامعه تشکیل می‌دهند، ممنوع اعلام شده است و به مصرف‌کنندگان آن برچسب منحرف زده می‌شود؛ در حالی که به نظر اکثر افراد، خطر مصرف الکل به مراتب بیش از این سیگار است. در این نظریه، اطلاق کلمه منحرف عامل نیرومندی است که فرد منحرف را تعیین می‌کند و ممکن است فرد نیز این برچسب را بپذیرد و در آینده بر همین اساس رفتار کند (همان).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کمی، به شیوه‌ی پیمایشی و به صورت توصیفی - تحلیلی و در طرح مقطعی انجام گرفت؛ و از پرسشنامه به عنوان فنی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دو دانشگاه پیام نور شهرستان پارس‌آباد و بیله سوار است. حجم نمونه با پذیرش ۰/۰۵ خطای نمونه‌گیری و با سطح اطمینان ۹۵ درصد با استفاده از جدول مورگان ۳۰۰ نفر پیش‌بینی شد. قسمتی از روش نمونه‌گیری از نوع روش‌های غیر احتمالی و به صورت گزینشی از بین رشته‌هایی که دانشجویان زیادی را در خود جذب کردند (حقوق، حسابداری، مدیریت) انجام پذیرفت، سپس از بین این تعداد رشته‌ها، نمونه‌های احتمالی، به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام پذیرفت. پرسشنامه شامل ۲۴ پرسش کلی با پاسخ‌های بسته است که بیشتر در مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند. ضریب پایایی

^۱. Secondary Deviance

(آلفای کروناخ) محاسبه شده برای گویه‌های منفی ۰/۷۵۱ و گویه‌های مثبت ۰/۷ که با استفاده از آزمون (ANOVA) این آلفا معنی دار می‌باشد. همچنین این ضریب برای بعد اول (۰/۷۵) بعد دوم (۰/۷۰) و بعد سوم (۰/۷۳) است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

۱. کل دانشجویان

الف- فراوانی پاسخ‌های دانشجویان به تک‌تک پرسش‌های گرایشی مواد مخدر درصد هریک از پرسش‌های پرسشنامه در قالب طیف لیکرت (کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق، کاملاً موافق) - گویه‌های گرایشی - جهت سنجش گرایش پاسخ‌گویان به مواد مخدر آورده شده است.

- «کسی که اراده‌اش قوی باشد با مصرف گاه‌به‌گاه مواد مخدر معتاد نمی‌شود»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۵۰٪ درصد؛ مخالف ۱۱٪؛ بینابین ۴٪؛ موافق ۱۰٪؛ کاملاً موافق ۲۵٪ است.

- «مصرف مواد مخدر به هر شکل که باشد برای سلامتی زیان‌بار است»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۱۱٪؛ مخالف ۵٪؛ بینابین ۱٪؛ موافق ۱۱٪؛ کاملاً موافق ۷۲٪ است.

- «کسی که مواد مخدر مصرف می‌کند در بین مردم آبرو و حیثیت ندارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۱۴٪؛ مخالف ۶٪؛ بینابین ۱۳٪؛ موافق ۲۵٪؛ کاملاً موافق ۴۲٪ است.

- «مصرف تفریحی و محدود مواد مخدر اشکال ندارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۷۰٪ درصد؛ مخالف ۱۳٪؛ بینابین ۴٪ درصد؛ موافق ۷٪؛ کاملاً موافق ۶٪ است.

- «دوستی با فردی که مواد مخدر مصرف می کند خطری ندارد و بستگی به خود فرد دارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر ۵۱٪؛ مخالف ۱۵٪؛ بینابین ۱۳ درصد؛ موافق ۱۳٪؛ کاملاً موافق ۸٪ است.

- «سیگار اعتیادآور نیست و نباید از مصرف آن نگران بود»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۵۸٪؛ مخالف ۲۱٪؛ بینابین ۱۱ درصد؛ موافق ۶٪؛ کاملاً موافق ۴٪ است.

- «وقتی که کسی با غم و اندوه دست به گریبان است مصرف مواد مخدر تنها چیزی است که می تواند او را تسکین بخشد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۷۳٪؛ مخالف ۱۲٪؛ بینابین ۸ درصد؛ موافق ۲٪؛ کاملاً موافق ۴٪ است.

- «معتادان انگل های اجتماع هستند و باید با آنان به شدت برخورد کرد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند برابر با ۱۹٪؛ مخالف ۱۷٪؛ بینابین ۱۹ درصد؛ موافق ۱۷٪؛ کاملاً موافق ۲۸٪ است.

- «مؤثرترین راه مبارزه با مواد مخدر برخورد خشن و قاطع با قاچاق مواد مخدر است»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۱۴٪؛ مخالف ۸٪؛ بینابین ۷ درصد؛ موافق ۱۷٪؛ کاملاً موافق ۵۳٪ است.

- «اگر جوانی مواد مخدر مصرف کند آینده شغلی و خانوادگی اش را نابود می کند»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۷٪؛ مخالف ۶٪؛ بینابین ۶ درصد؛ موافق ۲۰٪؛ کاملاً موافق ۶۱٪ است.

- «فشار گروه دوستان برای مصرف به قدری زیاد است که فرد چاره ای جز تسلیم شدن ندارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۳۷٪؛ مخالف ۲۲٪؛ بینابین ۱۶ درصد؛ موافق ۱۵٪؛ کاملاً موافق ۱۰٪ است.

- «مصرف مواد مخدر اگر به اعتیاد منجر نشود اشکالی ندارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۷۰٪؛ مخالف ۱۷٪؛ بینابین ۶ درصد؛ موافق ۶٪؛ کاملاً موافق ۱٪ است.

- «برای رهایی از فشارهای اجتماعی می‌توان از مواد مخدر استفاده کرد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۷۶٪؛ مخالف ۱۵٪؛ بینابین ۳٪؛ موافق ۳٪؛ کاملاً موافق ۳٪ است.

- «مصرف مواد مخدر برای مصارف بهداشتی و درمانی اشکالی ندارد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۵۹٪؛ درصد مخالف ۱۲٪؛ بینابین ۱۲٪؛ موافق ۱۳٪؛ کاملاً موافق ۸٪ است.

- «زمانی که ابزار مناسبی برای گذراندن اوقات فراغت وجود ندارد مصرف مواد مخدر می‌تواند جایگزین آن باشد»: درصد کسانی که با این گویه کاملاً مخالف هستند ۸۱٪؛ درصد مخالف ۱۱٪؛ بینابین ۴٪؛ موافق ۱٪؛ کاملاً موافق ۸ نفر و ۳٪ است.

ب- فراوانی مربوط به گویه‌های مصرفی در بین کل دانشجویان ۵۰٪ از دانشجویان نام انواع مواد مخدر را شنیده بودند و چند مورد از آن را نیز عنوان کرده‌اند. در ۳/۳٪ از خانواده دانشجویان یک نفر مواد مخدر مصرف می‌کند. ۷ درصد از دانشجویان در طول زندگی خود سیگار، ۱۰ درصد قلیان و ۲ درصد مواد مصرف نموده‌اند. در رابطه با شاخص مصرف دود، ۱۳ درصد از دانشجویان حداقل یک بار از مواد دودزا استفاده کرده‌اند و ۸۷ درصد اصلاً حتی یک بار هم به نزدیک مواد دودی نرفته‌اند.

ج- فراوانی ابعاد سه‌گانه گرایش به مواد مخدر بعد ۱ رفتاری (مربوط به گویه‌های منفی گرایش به مواد مخدر)؛ ۵/۱۸ درصد از دانشجویان هیچ گرایش، ۵۰ درصد گرایش خیلی کم تا کم، ۵/۲۳ درصد گرایش کم تا متوسط و ۸ درصد گرایش متوسط تا زیاد دارند.

بعد ۲ رفتاری (مربوط به گویه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر)؛ ۷/۷ درصد از دانشجویان گرایش زیادی دارند، ۱۹ درصد گرایش متوسط، ۳۹ درصد گرایش کم، ۲۸ درصد گرایش خیلی کم و ۴/۶ درصد هیچ گرایشی ندارند.

بعد ۳ توجیه غلط گرایش به مواد مخدر ۳/۴۴ درصد از دانشجویان هیچ گرایشی به مواد ندارند، ۳/۳۸ درصد کم، ۴/۱۳ درصد متوسط و ۴ درصد گرایش زیاد دارند.

۲. مقایسه در دو دانشگاه

الف - متغیرهای مصرفی در دو دانشگاه

- آشنا بودن با مواد مخدر: درباره این متغیر، میزان درصد دانشجویان دانشگاه پارس آباد از بيله سوار بیشتر است.

- وجود فرد معتاد: تفاوت آن چنانی در این بین در بین دو دانشگاه ملاحظه نشد.

- تجربه مصرف سیگار: درصد افراد دانشجویان دانشگاه بيله سوار بیشتر از پارس آباد است.

- در برابر این پرسش که آیا در طول زندگی قلیان کشیده‌اید؟ درصد دانشجویان پارس آباد بیشتر از بيله سوار است.

- در برابر این پرسش که آیا در طول زندگی مواد مخدر مصرف کرده‌اید؟ در این مورد فقط یک درصد تفاوت بیشتر توسط دانشجویان پارس آباد ملاحظه شد.

بنابراین در مقایسه، ۸۹ درصد از دانشجویان دانشگاه پیام نور بيله سوار اصلاً مواد دودزا مصرف نکرده‌اند، ۱۱ درصد حداقل یک‌بار دود مصرف کرده‌اند؛ اما ۸۷ درصد از دانشجویان دانشگاه پیام نور پارس آباد اصلاً دود مصرف نکرده‌اند؛ ۱۳ درصد حداقل یک‌بار از مواد دودزا استفاده کرده‌اند؛ بنابراین میزان مصرف مواد دودی در بین دانشجویان دانشگاه پارس آباد حدود ۲ درصد بیش از دانشجویان دانشگاه بيله سوار است.

ب - مقایسه دو دانشگاه در زمینه ابعاد سه‌گانه گرایش به مواد

با توجه یافته‌های پژوهش، در رابطه با بعد اول گرایش به مواد مخدر، ۱۰ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار متوسط تا زیاد گرایش دارند اما این مورد برای دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۱/۷ درصد است. ۱۸ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار کم تا متوسط گرایش دارند اما این مورد برای دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۲۶/۳ درصد می‌باشند. ۵۱ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار خیلی کم تا کم گرایش دارند اما این

مورد برای دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۵/۴۹ درصد است. ۲۱ درصد از دانشجویان دانشگاه پیام نور بيله سوار هيچ گرايشي به مواد مخدر ندارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۲/۱۷ است؛ بنابراین در کل می‌توان گفت که گرایش دانشجویان دانشگاه بيله سوار به مواد مخدر در بعد اول نسبت به پارس آباد کمتر است.

در رابطه با بعد دوم گرایش به مواد مخدر، (مربوط به گويه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر) ۵ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار زياد گرايش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۱/۹ درصد است. ۲۵ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار متوسط گرایش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۱۶/۲ درصد می‌باشند. ۳۲ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار کم گرایش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۴/۴۲ درصد می‌باشد. ۳۱ درصد از دانشجویان دانشگاه پیام نور بيله سوار خیلی کم گرايشي به مواد مخدر دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۳/۲۶ است. ۷ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار هيچ گرايشي به مواد ندارند و اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۱/۶ است؛ بنابراین در کل می‌توان گفت که گرایش دانشجویان دانشگاه پارس آباد در بعد دوم گرایش به مواد، در طبقه گرایش زياد به مواد مخدر، نسبت به بيله سوار بيشتري است. همچنين در طبقه گرایش خیلی کم به مواد مخدر نیز، دانشجویان دانشگاه پارس آباد کم است.

در رابطه با بعد سوم (مربوط به توجه غلط گرایش به مواد مخدر)، ۲ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار زياد گرايش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۵ درصد می‌باشد. ۱۲ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار متوسط گرایش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۱۵ درصد می‌باشند. ۴۲ درصد از دانشجویان دانشگاه بيله سوار کم گرایش دارند اما اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد ۳۶ درصد می‌باشد. ۴۴ درصد از دانشجویان دانشگاه پیام نور بيله سوار هيچ گرايشي به مواد ندارند و اين مورد براي دانشجویان دانشگاه پارس آباد نیز ۴۴ درصد است؛ بنابراین در کل

می‌توان گفت که گرایش دانشجویان دانشگاه پارس آباد در مورد گرایش زیاد به مواد مخدر و متوسط، نسبت به بیل به سوار درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است و در رابطه با گرایش کم نیز درصد کمتری را به خود اختصاص داده است.

یافته‌های استنباطی

قبل از آزمون روابط بین متغیرهای اثرگذار بر پژوهش، با استفاده از تحلیل عامل گویه‌های گرایش به مواد مخدر وارد تحلیل عامل شد تا نشان داده شود همبستگی دسته‌ای از گویه‌ها ناشی از عامل‌های جداگانه هست یا خیر؟.

بعد از انجام تحلیل عامل نشان داده شد که دسته‌ای از گویه‌ها ناشی از یک عامل می‌باشد که در پژوهش حاضر بانام بعد اول رفتاری (مربوط به گویه‌های منفی) نام‌گذاری شدند. دسته‌ای از گویه‌ها ناشی از عامل دیگر می‌باشند که در پژوهش، بعد دوم رفتاری (مربوط به گویه‌های مثبت)؛ و بالاخره دسته‌ای از گویه‌ها ناشی از عامل سوم است که در پژوهش، بعد ۳ (مربوط به توجیه غلط گرایش به مواد) نام‌گذاری شدند.

جدول (۱) - نتایج آزمون (KMO) و (Bartlett)

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy		.738
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	949.621
	Df	105
	Sig.	.000

با توجه به انجام آزمون KMO (شاخص برازندگی تحلیل عامل) و با توجه به سطح معنی‌داری که در جدول آزمون KMO آمده (Sig: 0.00) فرض H صفر رد و فرضیه یک تأیید می‌شود و می‌توان همبستگی گویه‌های گرایش مصرف مواد با یک عامل و نتایج تحلیل عامل را به جمعیت نیز تعمیم داد.

آزمون فرضیه اول

- رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

جدول (۲) - همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

		بعد ۱	بعد ۲	بعد ۳	جنسیت	تأهل	محل تحصیل	محل سکونت	گروه‌های سنی	درآمد
بعد ۱	همبستگی پیرسون	۱	-۰/۰۷۱	**۰/۴۱۴	-۰/۰۲۷	** -۰/۱۶۹	۰/۳۲۵	-۰/۱۹۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۸
	سطح معنی‌داری	-	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۰۳	۰/۵۴۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۲	۰/۶۲۷
	تعداد	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸
بعد ۲	همبستگی پیرسون	-۰/۰۷۱	۱	-۰/۰۳۵	** -۰/۲۱۷	-۰/۰۱۳	-۰/۰۲۸	-۰/۰۶۶	-۰/۰۱۹	-۰/۰۸۱
	سطح معنی‌داری	۰/۲۲۵	-	۰/۵۴۲	۰/۰۰۰	۰/۸۲۵	۰/۶۳۴	۰/۲۵۸	۰/۷۴۰	۰/۱۶۳
	تعداد	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸
بعد ۳	همبستگی پیرسون	۰/۴۱۴	-۰/۰۳۵	۱	** ۰/۲۱۸	-۰/۰۸۵	۰/۰۴۴	-۰/۰۳۶	-۰/۰۴۴*	-۰/۱۲۸*
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲	-	۰/۰۰۰	۰/۱۴۴	۰/۴۴۵	۰/۵۳۴	۰/۴۵۴	۰/۰۲۸
	تعداد	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸

در جدول فوق، همه متغیرهای زمینه‌ای که در فرضیه پژوهش با گرایش به مواد مخدر رابطه داشتند آورده شده است سپس در جداول زیر که در ادامه خواهند آمد، روابط هر کدام از متغیرها و آزمون هر کدام نیز آمده است. متغیر جنسیت با هر سه بعد؛ متغیر تأهل با بعد ۱؛ متغیر سن با بعد اول؛ متغیر درآمد با بعد ۳؛ متغیر محل سکونت با بعد ۱؛ و در آخر نیز متغیر محل تحصیل با هیچ‌یک از متغیرهای زمینه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری نشان داد.

- آزمون متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

جدول (۳) - آزمون روابط هر یک از متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

نتیجه گیری	سطح معنی داری	ارزش	نوع آزمون	سطح آزمون	متغیرهای زمینه‌ای
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۳۰	۰/۱۷۳ (بعد اول)	Phi & Cramer's V	Nominal by Nominal	محل سکونت
تائید فرضیه صفر (H0)	۰/۳۶۲	۰/۱۰۴ (بعد اول)	Phi & Cramer's V	Nominal by Nominal	محل تحصیل
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۷۷	۰/۱۵۲ (بعد اول)	Phi & Cramer's V	Nominal by Nominal	جنسیت
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۱	۰/۲۴۵ (بعد سوم)			
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۱	۰/۲۴۰ (بعد دوم)			
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۴	۰/۲۸۵ (بعد اول)	Phi & Cramer's V	Nominal by Nominal	سن
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۲۸	۰/۱۲۹ - (B) بعد سوم	R Square (128)	رگرسیون خطی	درآمد
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۳	۰/۳۲۱ - (B) بعد اول	R Square (.029)	رگرسیون خطی	تأهل

- محل سکونت و گرایش به مواد مخدر طبق آزمون خی دو و در سطح اسمی انجام شده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری که (sig:030) می باشد فرضیه صفر (عدم رابطه) رد می شود و فرضیه ۱ تائید می شود. محل سکونت فقط با بعد اول گرایش به مواد مخدر رابطه‌ی نسبتاً متوسط معنی داری دارد (۱۷۳)؛ و با دو بعد دیگری رابطه معنی داری ندارد.

- محل تحصیل و گرایش به مواد مخدر طبق آزمون خی دو و در سطح اسمی انجام شده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری که (sig:362) می باشد فرضیه صفر (عدم رابطه) تائید می شود و فرضیه ۱ رد می شود. محل تحصیل با هیچ یک از بعد گرایش به مواد مخدر رابطه معنی داری ندارد.

- جنسیت و گرایش به مواد مخدر طبق آزمون خی دو و در سطح اسمی انجام شده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری در جداول فوق فرضیه صفر (عدم رابطه) رد می شود و

فرضیه ۱ تأیید می‌شود؛ و می‌توان نتایج را به جمعیت نیز تعمیم داد؛ بنابراین جنسیت با هر یک از ابعاد گرایش به مواد مخدر رابطه متوسط معنی‌داری دارد.

- سن و گرایش به مواد مخدر طبق آزمون خی دو و در سطح اسمی انجام شده است. با توجه به مقدار سطح معنی‌داری فرضیه صفر (عدم رابطه) رد می‌شود و فرضیه ۱ تأیید می‌شود. گروه‌های سنی فقط با بعد اول گرایش به مواد مخدر رابطه متوسط معنی‌داری دارد؛ و با دو بعد دیگری رابطه معنی‌داری ندارد؛ بنابراین در جدول فوق نیز آورده نشده است.

- با توجه به رگرسیون خطی بین دو متغیر درآمد خانوادگی و بعد سوم گرایش به مواد، ملاحظه می‌شود که رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ چون کمتر از ۵ صدم است و این یعنی فرضیه ما تأیید می‌شود؛ و تفسیر ضریب b به این صورت است که؛ به ازای یک واحد افزایش در درآمد خانوادگی، $۰/۱۲۹$ - بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد. مقدار ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که $۰/۱۲۸$ از تغییرات متغیر وابسته را متغیر درآمد خانوادگی تبیین می‌کند.

- با توجه به رگرسیون خطی بین دو متغیر تأهل و بعد اول گرایش به مواد، ملاحظه می‌شود که رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ چون کمتر از ۵ صدم است و این یعنی فرضیه ما تأیید می‌شود؛ و تفسیر ضریب b به این صورت است که؛ به ازای یک واحد افزایش در درآمد خانوادگی، $۰/۳۲۱$ - بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد. مقدار ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که $۰/۰۲۹$ از تغییرات متغیر وابسته را متغیر درآمد خانوادگی تبیین می‌کند.

این متغیر با بعد دوم گرایش به اعتیاد رابطه معنی‌داری نشان نداد. این متغیر با بعد سوم گرایش به اعتیاد نیز رابطه معنی‌داری نشان نداد.

آزمون فرضیه دوم

- عوامل ساختاری - فرهنگی

جدول (۴) - آزمون روابط متغیرهای ساختاری با گرایش دانشجویان به مواد مخدر

نتیجه گیری	سطح معنی داری	ارزش	نوع آزمون	سطح آزمون	متغیرهای ساختاری - فرهنگی
رد فرضیه تحقیق (H1)	۰/۵۴۳	۰/۰۱۰ (B) بعد اول	(.07)R Square	رگرسیون خطی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان با بعد اول
رد فرضیه تحقیق (H1)	۰/۸۲۵	۰/۰۰۶ (B) بعد دوم	(.004)R Square	رگرسیون خطی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان با بعد دوم
رد فرضیه تحقیق (H1)	۰/۱۷۸	۰/۰۲۲ (B) بعد سوم	(.008)R Square	رگرسیون خطی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان با بعد سوم
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۱۶	۰/۲۱۷ (B) بعد اول	(.019)R Square	رگرسیون خطی	همبستگی در خانواده با بعد اول
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰ (B) بعد دوم	(.040)R Square	رگرسیون خطی	همبستگی در خانواده با بعد دوم
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۲۷	۰/۱۹۹ (B) بعد سوم	(.016)R Square	رگرسیون خطی	همبستگی در خانواده با بعد سوم
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۵۰	۰/۱۵۹ - بعد سوم	Gamma	Ordinal by Ordinal	فعالیت‌های دانشگاهی
تائید فرضیه تحقیق (H1)	۰/۰۰۱	۱/۲۵۷ (B) فقط با بعد دوم	R Square (.039)	رگرسیون خطی	وجود فرد معتاد در خانواده (نابسامانی)
رد فرضیه تحقیق (H1)	۰/۱۹۸	۰/۲۵۲ (B) فقط با بعد دوم	-	رگرسیون خطی	فوت یا جدایی والدین - (عدم زندگی مشترک)

- پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان (از ضریب رگرسیون خطی جهت نشان دادن رابطه بین متغیرها استفاده شده است).

با توجه به جداول رگرسیون خطی، رابطه موجود بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی با بعد اول، دوم و سوم گرایش به مواد مخدر معنی دار نیست.

- همبستگی در خانواده - شبکه‌ی ارتباطات دانشجویان

با توجه به رگرسیون خطی بین دو متغیر همبستگی خانوادگی و بعد اول گرایش به مواد، رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ چون کمتر از ۵ صدم است و این یعنی فرضیه ما تأیید می‌شود؛ و تفسیر ضریب b به این صورت است که؛ به ازای یک واحد افزایش در همبستگی خانوادگی، $۰/۲۱۷$ - بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد. مقدار ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که $۰/۰۱۹$ از تغییرات متغیر وابسته را متغیر همبستگی خانوادگی تبیین می‌کند.

با توجه به رگرسیون خطی بین دو متغیر همبستگی خانوادگی و بعد دوم گرایش به مواد، رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ چون کمتر از ۵ صدم است و این یعنی فرضیه ما تأیید می‌شود؛ و تفسیر ضریب b به این صورت است که؛ به ازای یک واحد افزایش در همبستگی خانوادگی، $۰/۳۸۰$ بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد. مقدار ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که $۰/۰۴۰$ از تغییرات متغیر وابسته (بعد دوم) را متغیر همبستگی خانوادگی تبیین می‌کند.

با توجه به رگرسیون خطی بین دو متغیر همبستگی خانوادگی و بعد سوم گرایش به مواد، ملاحظه می‌شود که رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ چون کمتر از ۵ صدم است و این یعنی فرضیه ما تأیید می‌شود؛ و تفسیر ضریب b به این صورت است که؛ به ازای یک واحد افزایش در همبستگی خانوادگی، $۰/۱۹۹$ - بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد. مقدار ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که $۰/۰۱۶$ از تغییرات متغیر وابسته (بعد دوم) را متغیر همبستگی خانوادگی تبیین می‌کند.

- فعالیت‌های دانشگاهی: فرهنگی - علمی - ورزشی

آزمون روابط دو متغیر ترتیبی می‌باشد با استفاده از آزمون خی دو و آماره گاما، نشان می‌دهد که روابط موجود بین این متغیر با بعد سوم معنی‌دار است چون سطح معنی‌داری مساوی ۵ صدم است و فرضیه صفر رد و فرضیه ۱ (تحقیق) تأیید می‌شود. با این آزمون، این رابطه را می‌توان به جمعیت آماری نیز تعمیم داد.

- وجود فرد معتاد در خانواده - زندگی مشترک والدین (وجود طلاق یا فوت یکی از والدین یا هر دو)

با توجه به جدول رگرسیون خطی بین دو متغیر «وجود فرد معتاد و زندگی والدین باهم» با بعد دوم گرایش به مواد مخدر ملاحظه می شود که همبستگی بین گویه وجود فرد معتاد در خانواده با بعد دوم گرایش به مواد مخدر « $0/188$ » است و همبستگی بین دو متغیر زندگی مشترک والدین با بعد دوم گرایش به مواد مخدر « $0/074$ » است؛ اما رابطه اول با بعد دوم گرایش به مواد مخدر با توجه به سطح اطمینان ($0/005$) معنی دار است؛ یعنی با لحاظ خطای ۵ صدم و با احتمال ۹۵ درصد می توان گفت که رابطه مشاهده شده به جمعیت نیز قابل تعمیم است.

تفسیر ضریب b نیز به این صورت خواهد بود که به ازای یک واحد افزایش در متغیر (آیا کسی در خانواده شما مواد مخدر مصرف می کند) $0/257$ برابر بر بعد مثبت گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد؛ و با توجه به جدول خلاصه مدل که مقدار ضریب تبیین برابر $0/039$ است می توان گفت که متغیر مستقل $0/039$ از تغییرات متغیر وابسته (بعد دوم گرایش به مواد) را تبیین می کند.

اما رابطه دوم؛ با بعد دوم گرایش به مواد مخدر از نظر سطح معنی داری بیشتر از ۵ صدم است؛ بنابراین در این مورد فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه بین دو متغیر تأیید و فرضیه ۱ رد می شود.

آزمون فرضیه سوم

- عوامل فردی

جدول (۵) - آزمون روابط متغیرهای فردی با گرایش دانشجویان به مواد مخدر

عوامل فردی	سطح آزمون	نوع آزمون	ارزش	سطح معنی‌داری	نتیجه‌گیری
پیشرفت تحصیلی دانشجویان با بعد اول	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) ۰/۰۱۷	۰/۷۷۲	رد فرضیه تحقیق (H1)
پیشرفت تحصیلی دانشجویان با بعد دوم	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) ۰/۱۲۷	۰/۰۲۸	تائید فرضیه تحقیق (H1)
پیشرفت تحصیلی دانشجویان با بعد سوم	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) ۰/۰۹۲	۰/۱۱۷	رد فرضیه تحقیق (H1)
سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد اول	رگرسیون خطی	-	۰/۲۰۵ - (B) مواد ۰/۱۴۰ - قلیان ۰/۰۴۹ - سیگار	۰/۶۱۳ ۰/۳۸۲ ۰/۸۲۰	رد فرضیه تحقیق (H1) رد فرضیه تحقیق
سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد دوم	رگرسیون خطی	(.136)R Square	۱.۵۳۸ (B) مواد	۰/۰۰۲	تائید فرضیه تحقیق (H1)
سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد سوم	رگرسیون خطی	(.129)R Square	۰/۹۳۵ - (B) مواد ۰/۶۹۰ - (B) قلیان	۰/۰۱۶ ۰/۰۰۰	تائید فرضیه تحقیق (H1) تائید فرضیه تحقیق (H1)
شناخت دانشجویان از مواد مخدر با بعد اول	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) ۰/۰۴۳	۰/۴۶۵	رد فرضیه تحقیق (H1)
شناخت دانشجویان از مواد مخدر با بعد دوم	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) ۰/۱۰۵	۰/۰۶۹	رد فرضیه تحقیق (H1)
شناخت دانشجویان از مواد مخدر با بعد سوم	همبستگی چندگانه	Pearson Correlation	(R) -۰/۰۸۷	۰/۱۳۳	رد فرضیه تحقیق (H1)
استفاده از مواد مخدر برای بیداری در شب امتحان با بعد اول	رگرسیون خطی	(.098)R Square	(B) ۰/۲۶۱	۰/۰۰۰	تائید فرضیه تحقیق (H1)
استفاده از مواد مخدر برای بیداری در شب امتحان با بعد دوم	رگرسیون خطی	(.145)R Square	(B) -۰/۱۵۸	۰/۰۳۰	تائید فرضیه تحقیق (H1)
استفاده از مواد مخدر برای بیداری در شب امتحان با بعد سوم	رگرسیون خطی	(.229)R Square	(B) ۰/۴۶۵	۰/۰۰۰	تائید فرضیه تحقیق (H1)
دوستی با فرد معتاد	Interval by	Pearson	۰/۶۱۸ (بعد اول)	۰/۰۰۰	تائید فرضیه تحقیق (در)

رابطه با بعد اول و سوم) و رد در بعد دوم	۰/۴۲۷ ۰/۰۰۱	۰/۰۴۶- (بعد دوم) ۰/۱۹۲ (بعد سوم)	Correlation	Interval	
--	----------------	-------------------------------------	-------------	----------	--

- پیشرفت تحصیلی

با توجه به جدول بالا ملاحظه می‌کنیم که متغیر پیشرفت تحصیلی فقط با بعد دوم (مربوط به گویه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر) همبستگی نشان می‌دهد؛ یعنی فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه رد می‌شود و فرضیه ۱ مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود؛ و این همبستگی با توجه به سطح معنی‌داری آن قابل‌تعمیم به جمعیت نیز است.

- تجربه‌ی مصرف دانشجوی

با توجه به رگرسیون سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد ۱ گرایش به مواد مخدر که هیچ‌کدام از متغیرهای تجربه مصرف دانشجوی با بعد اول گرایش به مواد همبستگی معنی‌داری ندارد؛ بنابراین این فرضیه رد می‌شود؛ و با توجه به جدول، سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد ۲ گرایش به مواد مخدر، فقط متغیر استفاده از مواد رابطه معنی‌داری با بعد دوم گرایش به مواد دارد؛ و مقدار همبستگی آن ۰/۱۹۵ است که با سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت رابطه مشاهده شده قابل‌تعمیم به جمعیت است و بنابراین در این مورد فرضیه ۱ تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود؛ و بقیه دو متغیر رابطه معنی‌داری ندارند و فرضیه صفر تأیید می‌شود؛ و با توجه به جدول خلاصه مدل، متغیر استفاده از مواد با ملاحظه (R Square) ۰/۰۳۶ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بالاخره با توجه به جدول، سه متغیر (مصرف سیگار، قلیان، مواد) با بعد ۳ گرایش به مواد مخدر متغیرهای استفاده از قلیان و مواد رابطه معنی‌داری با بعد سوم گرایش به مواد دارد و مقدار همبستگی برای مصرف قلیان ۰/۲۸۲- و برای مواد مخدر ۰/۱۴۵- است که با سطح معنی‌داری که کمتر از ۵ صدم دارند و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان این رابطه را به جمعیت نیز تعمیم داد و بنابراین در این مورد فرضیه ۱ تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود ولی متغیر استفاده از سیگار رابطه معنی‌داری ندارد و فرضیه صفر تأیید می‌شود؛ و با

توجه به جدول خلاصه مدل، متغیر استفاده از مواد و استفاده از سیگار با ملاحظه (R Square) ۰/۰۸۰ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

- شناخت دانشجو از مواد مخدر

با توجه همبستگی بین متغیر شناخت از مواد مخدر و گرایش به مواد مخدر در ابعاد سه گانه ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده است. رابطه بین هر کدام از ابعاد با متغیر شناخت دانشجو از مواد وجود دارد اما این رابطه را نمی‌توان قابل اتکا و تعمیم به جمعیت دانست. چون سطح معنی‌داری هر کدام از ابعاد با متغیر مستقل بیشتر از ۵ صدم است و بنابراین فرضیه صفر تائید و فرضیه ۱ مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار رد می‌گردد.

- رگرسیون خطی بین متغیرهای استفاده از مواد برای بیدار ماندن در شب امتحان با ابعاد گرایش به مواد مخدر

بعد اول گرایش به مواد مخدر؛ متغیرهای مستقل (استفاده برای بیداری در امتحان) این جدول با متغیر وابسته بعد ۱ رفتاری (مربوط به گویه‌های منفی گرایش به مواد مخدر) رابطه‌ی معنی‌داری دارد و این رابطه‌ها را با توجه به مقدار سطح معنی‌داری که هر کدام از متغیرها کمتر از ۵ صدم دارند می‌توان با احتمال ۹۵ درصد بر جمعیت نیز تعمیم داد.

(رابطه بین متغیر استفاده از مواد مخدر (متغیر مستقل) با متغیر بعد دوم رفتاری مربوط به گویه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر (متغیر وابسته))؛ متغیرهای مستقل (استفاده از مواد برای بیداری در امتحان) با متغیر وابسته (بعد ۲ رفتاری) (مربوط به گویه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر)) همبستگی دارند و این رابطه‌ها را با توجه به مقدار سطح معنی‌داری که هر کدام از متغیرها کمتر از ۵ صدم دارند می‌توان با احتمال ۹۵ درصد بر جمعیت نیز تعمیم داد. در جدول خلاصه مدل نیز مقدار ضریب تعیین تقریباً برابر با ۰/۲۴۵ است؛ یعنی متغیرهای مستقل در این رابطه ۰/۲۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

رابطه بین متغیرهای استفاده از مواد مخدر (متغیر مستقل) با متغیر بعد سوم مربوط به توجیه غلط گرایش به مواد مخدر (متغیر وابسته)؛ متغیرهای مستقل (استفاده برای بیداری در

امتحان) با متغیر وابسته بعد ۳ رفتاری (بعد مربوط به توجیه غلط گرایش به مواد مخدر) رابطه‌ی معنی‌داری دارد و این رابطه‌ها را با توجه به مقدار سطح معنی‌داری که هر کدام از متغیرها کمتر از ۵ صدم دارند می‌توان با احتمال ۹۵ درصد بر جمعیت نیز تعمیم داد؛ بنابراین در این مورد نیز مانند دو بعد قبلی فرضیه صفر رد و فرضیه ۱ مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود.

- رابطه بین دوستی با فرد معتاد با ابعاد گرایش به مواد مخدر؛ نتایج نشان داد که بین بعد اول و سوم گرایش به مواد مخدر با دوستی با فرد معتاد رابطه معنی‌دار به لحاظ آماری وجود دارد. اما در بعد دوم رابطه معنی‌داری نشان نداد؛ بنابراین این رابطه با توجه به سطح معنی‌داری آن نمی‌تواند قابل اتکا باشد و قابل تعمیم به جمعیت.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد بررسی علل و عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دو دانشگاه پیام نور بیله سوار پارس آباد و بیله سوار بود. بخش اول با ارائه کلیات و تشریح ابعاد و مفهوم مواد مخدر و یادآوری اینکه نه تنها مسئله مواد مخدر تبدیل به مسئله‌ای حاد و بحرانی گشته، طبق پژوهش‌های گذشته و آمار و ارقام در بین دانشجویان نیز رواج پیدا کرده، شروع شد. در بخش دوم این مهم از طریق بیان علل گرایش به مواد مخدر در فعال‌ترین و گران‌بهاترین سرمایه کشور یعنی دانشجویان به‌طور نظری تبیین گشته و سپس به مدد نظریات و تحقیقات اخیر در این حوزه، پژوهش به‌صورت مدلی برای تبیین و تحلیل نشان داده شد. جهت آزمون گفته فوق از روش پیمایشی استفاده شد و نتایج به‌صورت یافته‌های توصیفی و استنباطی تشریح شدند. این یافته‌ها برای تطبیق و درستی یا نادرستی فرضیه‌ها بر طبق ادبیات نظری و پژوهش‌های قبلی پژوهشگران در زیر ارائه می‌گردد.

دو فرضیه اساسی که پژوهش درصدد رسیدن به آن بود عبارت است: اول اینکه آیا دانشجویان به‌طور کلی گرایش به مواد مخدر دارند یا خیر؟ اگر گرایش دارند، کدام عوامل

تأثیر گذار است؟ دوم؛ در صورت گرایش، آیا توزیع گرایش بین دانشجویان دو دانشگاه متفاوت است یا خیر.

فرضیه اول (قسمت اول): میزان گرایش دانشجویان به مواد مخدر

صرامی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع شناسی اعتیاد در ایران در رابطه با شیوع مواد مخدر در بین دانشجویان به این نتیجه رسیدند که جامعه فرهیخته دانشجویی نیز مانند افراد عادی جامعه در معرض خطر شیوع مصرف مواد هستند.

در پژوهش حاضر، ۳/۳ درصد از خانواده دانشجویان یک نفر مواد مخدر مصرف می‌کند و در ۷/۹۶ درصد از خانواده دانشجویان کسی مواد مخدر مصرف نمی‌کند. ۷ درصد از دانشجویان در طول زندگی خود سیگار، ۱۰ درصد قلیان و ۲ درصد مواد مصرف نموده‌اند و ۹۷ درصد سیگار، ۹۰ درصد قلیان و ۹۸ درصد مواد اصلاً نکشیده‌اند.

با توجه به شاخص مصرف دود، ۱۳ درصد از دانشجویان حداقل یک بار از مواد دودزا استفاده کرده‌اند و ۸۷ درصد اصلاً حتی یک بار هم به نزدیک مواد دودی نرفته‌اند.

- در بعد اول رفتاری (مربوط به گویه‌های منفی گرایش به مواد مخدر)؛ ۵/۱۸ درصد از دانشجویان هیچ گرایش، ۵۰ درصد گرایش خیلی کم تا کم، ۵/۲۳ درصد گرایش کم تا متوسط و ۸ درصد گرایش متوسط تا زیاد دارند.

- در بعد دوم رفتاری (مربوط به گویه‌های مثبت گرایش به مواد مخدر)؛ ۷/۷ درصد از دانشجویان گرایش زیادی دارند، ۱۹ درصد گرایش متوسط، ۳۹ درصد گرایش کم، ۲۸ درصد گرایش خیلی کم و ۴/۶ درصد هیچ گرایشی ندارند.

- در بعد سوم (توجیه غلط عوامل اجتماعی گرایش به مواد مخدر)، ۳/۴۴ درصد از دانشجویان هیچ گرایشی ندارند، ۳/۳۸ درصد گرایش کم، ۴/۱۳ درصد گرایش متوسط و ۴ درصد گرایش زیاد به مواد دارند.

در یافته‌های طارمی و همکارانش (۱۳۸۶) نیز شیوع طول عمر نسبتاً بالای مصرف مواد سبک به ترتیب قلیان (۳۴٪)، سیگار (۲۴٪) و نوشیدنی‌های الکلی (۱۷ درصد)، شیوع پایین مواد سنگین بود.

فرضیه اول: عوامل مؤثر بر گرایش به مواد مخدر

- رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

الف) متغیر جنسیت با هر یک از ابعاد گرایش به مواد مخدر به لحاظ آماری رابطه متوسط معنی‌داری نشان داد. با بعد اول گرایش به مواد مخدر (۰/۱۵۲) با بعد دوم گرایش به مواد مخدر (۰/۲۴۰) با بعد سوم گرایش به مواد مخدر (۰/۲۴۵). چنانچه ملاحظه می‌شود جنسیت متغیری است که با هر سه بعد گرایش به مواد رابطه معنی‌داری دارد یعنی زنان به‌طور متوسط از مردان گرایش کمتری به مواد مخدر از خود نشان دادند. این یافته، به نظر می‌رسد بیشتر با چهار عامل نظریه هیرشی منطبق باشد به این صورت که زنان از نظر دل‌بستگی، تعهد، درگیر بودن، ایمان، بر مردان قوی هستند و این باعث پیشگیری از مواد مخدر می‌گردد.

ب) متغیر محل سکونت دانشجویان فقط با بعد اول گرایش به مواد به لحاظ آماری رابطه معنی‌داری نشان داد (۰/۱۷۳) یعنی دانشجویانی که محل سکونت آنان شهر است نسبت به دانشجویانی که محل سکونتشان روستاست گرایش بیشتری نسبت به مواد دارند. به‌طوری‌که شهری بودن عاملی بود که توانست بعد اول گرایش به مواد را تبیین کند. یافته پژوهش حاضر، نظریه محرومیت نسبی را که اعتیاد را در بین گروه‌های حاشیه‌ای و دور از شهر بیشتر می‌داند، نقض می‌کند

ج) متغیر گروه‌های سنی فقط با بعد اول گرایش به مواد مخدر به لحاظ آماری رابطه متوسط معنی‌داری دارد (۰/۲۸۵). گروه سنی ۲۷-۳۰ ساله نسبت به سایر گروه‌های سنی با بعد اول گرایش به مواد مخدر رابطه معنی‌دار نشان داد و در طبقه گرایش زیاد و متوسط نسبت به سایر گروه‌های سنی از گرایش زیادی برخوردار بودند.

د) متغیر درآمد خانوادگی با بعد سوم گرایش به مواد به لحاظ آماری (۰/۱۲۹-) رابطه معنی داری دارد.

چون رابطه منفی است، یعنی هر چه درآمد خانوادگی بیشتر باشد گرایش به مواد مخدر در بین دانشجویان کمتر می‌شود و بالعکس. این یافته با نظریه محرومیت نسبی را که عامل فقر و درآمد پایین را عامل اصلی اعتیاد می‌دانند تأیید می‌کند.

و) متغیر تأهل و بعد اول گرایش به مواد رابطه معنی داری به لحاظ آماری نشان داد (۰/۳۲۱-)؛ یعنی دانشجویان مجرد نسبت به دانشجویان متأهل از گرایش بیشتری به مواد مخدر برخوردار بودند.

۵) فرضیه تفاوت گرایش به جرائم مواد مخدر در بین ورودی‌های دانشگاه نیز به لحاظ آماری رابطه معنی داری نشان نداد و در این مورد فرضیه پژوهش مبنی بر این بود که هرچه دانشجویان در دانشگاه ترم بیشتری بگذرانند و بیشتر با دانشگاه ارتباط داشته باشد گرایش به مواد پیدا می‌کند که در این پژوهش این فرضیه رد شد.

۶) محل تحصیل با هیچ‌یک از ابعاد گرایش به مواد مخدر ارتباط نشان نداد؛ یعنی محل تحصیل دانشجویان ارتباطی با گرایش دانشجویان به مواد مخدر ندارد.

- رابطه عوامل ساختاری و فرهنگی با گرایش به مواد مخدر

الف) همبستگی دانشجویان با خانواده با هر سه بعد گرایش به مواد مخدر به لحاظ آماری رابطه معنی داری داشتند. به طوری که همبستگی خانوادگی با بعد اول با مقدار (۰/۲۱۷-)، با بعد دوم با مقدار (۰/۳۸۰) و با بعد سوم با مقدار (۰/۱۹۹-) که معنی دار بود رابطه داشت؛ بنابراین همبستگی خانوادگی دانشجویانی که کمتر است از دانشجویانی که همبستگی خانوادگی قوی دارند عاملی است که فرد را به طرف اعتیاد خواهند کشید. همبستگی کم، گرایش بیشتر به مواد مخدر را به دنبال خواهد داشت.

ب) فعالیت دانشگاهی با بعد سوم گرایش به مواد مخدر رابطه معنی داری نشان داد.

یعنی هر چه فعالیت‌های دانشجویان در دانشگاه بیشتر باشد میزان گرایش دانشجویان به مواد مخدر کمتر خواهد شد و بالعکس. این یافته، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی را با مؤلفه چهارگانه‌اش تأیید می‌کند.

ج) نابسامانی خانواده (متغیر وجود فرد معتاد در خانواده) با بعد دوم گرایش به مواد مخدر رابطه معنی‌دار وجود دارد (۰/۱۸۸) یعنی هرچقدر ارتباط فرد با افراد معتاد بیشتر باشد امکان گرایش به مواد مخدر بیشتر خواهد بود.

د) بین فروپاشی کانون خانواده (طلاق، فوت، جدایی) و گرایش به مواد مخدر رابطه معنی‌دار مشاهده نگردید.

بنابراین می‌توان برخلاف استدلال رایج که طلاق و جدایی والدین را به‌طور عام عاملی برای گرایش به جرم و به‌طور خاص گرایش به اعتیاد می‌داند با این یافته نقض کرد. پس یافته‌های فوق در تضاد است با نظریه همبستگی، آنمی مرتن و دور کیم - کنترل اجتماعی هیرشی.

ه) بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد با گرایش به مواد مخدر رابطه معنی‌داری ملاحظه نگردید و فرضیه تحقیق مبنی رد می‌شود.

- رابطه عوامل فردی با گرایش به مواد مخدر

الف) متغیر پیشرفت تحصیلی فقط با بعد دوم گرایش به مواد مخدر رابطه معنی‌دار دارد (۰/۱۱۷) به‌طوری‌که پیشرفت تحصیلی به‌عنوان مانعی در برابر گرایش دانشجویان به مواد مخدر است.

ب) متغیر شناخت و تجربه‌ی دانشجو از انواع مواد مخدر با گرایش به مواد مخدر متغیر استفاده از مواد رابطه معنی‌داری با بعد دوم گرایش به مواد مخدر دارد؛ و مقدار همبستگی آن (۰/۱۹۵) است. این متغیر همچنین رابطه معنی‌داری با بعد سوم گرایش به مواد مخدر دارد (۰/۱۴۵-). متغیر استفاده از قلیان رابطه معنی‌داری با بعد سوم گرایش به مواد دارد و مقدار همبستگی برای مصرف قلیان (۰/۲۸۲-) است. در این رابطه شناخت دانشجو

از انواع مواد مخدر با گرایش او به مواد مخدر و همچنین مصرف سیگار با گرایش به مواد مخدر رابطه‌ای نشان ندادند.

به نوعی یافته فوق با نظریه برچسب‌زنی بکر و لمرت در رابطه با انحراف اولیه و ثانویه همخوانی دارد.

ج) رابطه بین مجموع متغیرهای استفاده از مواد برای بیداری در امتحان با هر سه بعد گرایش به مواد رابطه معنی‌دار قوی دارد. یافته پژوهش حاضر در این مورد نیز با نظریه محرومیت نسبی که بر طبق آن افراد می‌خواهند ناکامی‌های خود در عرصه زندگی را با استفاده از کارهای خلاف مانند مواد مخدر جبران کنند منطبق است.

د) در رابطه با گویه دوستی با فردی که مواد مخدر مصرف می‌کند تأثیری بر فرد بر گرایش به مواد مخدر تأثیر دارد؟

در این رابطه آزمون نشان داد که رابطه موجود به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین اعتقاد با دوستی که معتاد است و گرایش به مواد مخدر تأیید می‌گردد. این رابطه با توجه به سطح معنی‌داری آن می‌تواند قابل‌اتکا و قابل‌تعمیم به جمعیت باشد.

فرضیه دوم- به نظر می‌رسد گرایش به جرائم مواد مخدر در بین دانشجویان دو دانشگاه متفاوت است.

نتایج نشان داد که گرایش دانشجویان پیام نور دانشگاه بيله سوار به مواد مخدر در بعد اول نسبت به دانشجویان دانشگاه پیام نور پارس آباد کمتر است؛ و گرایش دانشجویان دانشگاه پارس آباد در بعد دوم گرایش به مواد، در طبقه گرایش زیاد به مواد مخدر، نسبت به بيله سوار بیشتر است. همچنین در طبقه گرایش خیلی کم به مواد مخدر نیز، دانشجویان دانشگاه پارس آباد کم است. بالاخره در رابطه با بعد سوم گرایش دانشجویان دانشگاه پارس آباد در طبقه گرایش زیاد به مواد مخدر و متوسط، نسبت به بيله سوار درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است و در طبقه گرایش کم نیز درصد کمتری را به خود اختصاص داده

است. ملاحظه می شود که دو دانشگاه از نظر گرایش به مواد مخدر متفاوت است؛ بنابراین فرضیه اساسی پژوهش تأیید می شود.

فهرست منابع

- ابادینسکی، هوارد (۱۳۸۴)، مواد مخدر، نگاه اجمالی ترجمه محمدعلی زکریایی، تهران: جامعه و فرهنگ.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات. تهران انتشارت سمت.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵)، جامعه شناسی اعتیاد، بیجا.
- اسکندری، محمد (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۱ تا ۳۲.
- اعظمی، احد؛ محمدی، محمدعلی؛ معصومی، رحیم (۱۳۸۱)، میزان گرایش به استفاده از مواد مخدر در گروه سنی بالاتر از ده سال استان اردبیل، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دوره پنجم شماره اول، صص ۱۶ تا ۲۱.
- افقه، سوسن؛ خلیلیان، علیرضا (۱۳۷۵)، بررسی عوامل مرتبط با اعتیاد به مواد اویپوئیدی در استان مازندران، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران؛ دوره ۶، بهار و تابستان، شماره ۱۲، صص ۲۹-۳۵.
- امینیان، اعظم؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، بررسی جامعه شناسی فاکتورهای زمینه ساز خانواده و مدرسه در گرایش دختران نوجوان به کثر رفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۳۳۴-۳۱۳.
- آسایش، حمید و همکاران (۱۳۸۹)، ارتباط ویژگی های فردی و خانوادگی با گرایش افراد به سوء مصرف مواد مخدر، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۲، شماره ۴ (پای درپی ۳۶)، صص ۹۱ تا ۹۴.
- بخاری، احمد (۱۳۹۱)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، پرواکت جامعه.

- بزازیان، سعیده و همکاران، نقش بازدارنده باورهای مذهبی و پیوند با خانواده در گرایش به مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی، مجله روانشناسی خانواده، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۱۹.
- بیات، اشکان؛ رسولی، لیلا (۱۳۹۲)، طراحی فضای کلانتری نمونه بر اساس ارزیابی تأثیر آن بر آرامش روانی مراجعان و کارکنان کلانتری، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی بیست و دوم.
- پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل‌الله؛ نیکبخت نصرآبادی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، اعتیاد از نگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی، مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۲۵۰ تا ۲۵۷.
- پور افکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع روان‌شناسی، روان‌پزشکی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- حاجی‌حسینی و همکاران (۱۳۹۰)، پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس میزان پرخاشگری و ابراز وجود در دانشجویان، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال پنجم، شماره بیستم، صص ۵۴-۴۱.
- حکمت اندیش، علی (۱۳۸۹)، دخانیات و مواد مخدر، قم، انتشارات ابتکار دانش.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، پایل نقش جهان.
- رحیمی موقر، آفرین؛ سهیمی ایزدیان، الهه؛ یونسیان، مسعود (۱۳۸۵)، مطالعه مروری وضعیت مصرف مواد در دانشجویان کشور، نشریه پایش، دوره ۵، شماره ۲ صص ۸۳-۱۰۴.
- رحیمی موقر، آفرین؛ محمد، کاظم؛ محمدزاقی؛ عمران (۱۳۸۱)، روند ۳۰ ساله وضعیت سوء مصرف در ایران مجله پژوهشی حکیم، دوره پنجم صص ۱۷۱-۱۸۱.
- رضاخانی‌مقدم، حامد و همکاران (۱۳۹۱)، مقایسه مصرف مواد مخدر و علل گرایش به آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه تهران، مجله تحقیقات نظام سلامت، سال هشتم، شماره هفتم.

- رضایی، علی محمد؛ صنوبری، محمد (۱۳۹۲)، نگرش دانشجویان به مواد مخدر: نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، عدم دسترسی به مواد و اعتماد به خود، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال هفتم، شماره بیست و هشتم.
- سام آرام، عزت‌الله؛ کردونی، روزبه؛ دغاغله، عقیل؛ افقه، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، آسیب اجتماعی اعتیاد در بین جوانان روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اهواز، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۲۷-۵۰.
- ستاری، بهزاد؛ اعظم، احد؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۲)، بررسی میزان گرایش به اعتیاد در سنین بالای ده سال در سال ۱۳۸۱ (استان اردبیل)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹ صص ۲۶۳-۲۸۱.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سراج زاده، حسین؛ فیضی، ایرج (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۳۱.
- سیام، شهره (۱۳۸۵)، بررسی شیوع سوء مصرف مواد اعتیادآور بین دانشجویان پسر دانشگاه‌های مختلف شهر رشت در سال ۱۳۸۴، مجله طبیب شرق، سال هشتم، شماره ۴.
- شیخ‌الاسلام زاده، سلما؛ کاکوئی، مرضیه (۱۳۹۰)، رابطه بین ابعاد هویت و سبک دل‌بستگی با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر، فصلنامه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال دوم، شماره سوم، پیاپی ۷، صص ۳۹-۵۳.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آن.
- صالح‌آبادی، ابراهیم؛ سلیمی امان‌آباد؛ محسن (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سبک زندگی جوانان و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی در شهر شیروان، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، شماره ششم، صص ۵۷-۷۰.

- صرامی، حمید؛ قربانی، مجید؛ مینوئی، محمود (۱۳۹۲)، بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع شناسی اعتیاد در ایران، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال هفتم، شماره بیست و ششم.
- طارمیان، فرهاد؛ بوالهروی، جعفر؛ پیروی، حمید؛ قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۶)، شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان شهر تهران، مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۳۴۲-۳۳۵.
- کاپالان و سادوک (۱۳۷۹)، خلاصه روان پزشکی. ترجمه حسن رفیعی و همکاران، جلد اول، تهران انتشارات سالمی.
- کاوه، محمد (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه شناسان.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر کیهان.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مولوی، پرویز؛ رسول‌زاده، بهزاد (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۴۹-۵۵.
- نیاز پور، امیر حسن (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت: از علت شناسی تا پیشگیری، انتشارات فکر سازان، تهران.
- هزارجریبی، جعفر؛ ترکمان، مهدی؛ مرادی، غلامرضا (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره دوم.
- یحیی زاده، حسین (۱۳۸۸)، تأثیر عوامل خانوادگی بر گرایش افراد به سوء مصرف مواد مخدر، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره پنجم.
- Alexander, Bruce K. (1990), "Alternatives to the war on drugs". Journal of Drugs. 20(1).

- Bounstein, Paul J. Hatry, Harry P. Altschuler, David M. and Blair, Louis H. (1990), Substance Use and Delinquency Among Inner City Adollescent Males. Washington, DC: Urban Institute.
- Burgess, Robert L. and Akers, Ronald L. (1969), "Differential associationreinforcement theory of criminal behavior". In: Behavioral Sociology. New York: Columbia University Press.
- Currie, Elliott (1993), Reckoning: Drugs, the Cities, and the American Future. New York: Hill and Wang.
- Gullotta, P. Adam, R. (1998). Adolescent life Experiences. Printed: in U.S.A. Hinkin, T. R. (1995). A review of scale development practices in the study of organization. Journal of management, 21, 967-988.
- Hirischi, Travis (1969), Causes of Delinquency. Berkeley: University of California Press.
- Kaplan HI, Sadock B, Sadock V. Synopsis of psychiatry behavioral sciences / clinical psychiatry. 10th ed. Philadelphia: Woitnrs Kiuwer/Lippincott Willians &Wilkins; 2007; 443 -446.
- Merton, Robert K. (1964), "Social structure and anomie". In: Sturat H. Traub and Craig B. Little (eds.), Theories of Deviance. New York: F. E. Peacock.
- Miller, Walter B. (1958), "Lower class as a generating milieu of gang delinquency". Journal of Social Issue. 14
- Sutherland, Edwin H. and Cressey, Donald R. (1978), Criminology. Philadelphia: J. B. Lippincott.